

فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب (دوره ادیسی و جایگاه تمدنی ادیسیان)

دکتر محمد رضا شهیدی پاک^۱

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

چکیده

پس از شکست علویان در مدینه در ۱۶۹ هجری، ادیس اول با حضور در پیشگاه امام رضا ع (۱۴۸-۲۰۳) که او را تاج آل محمد (ص) نامید، مدینه را ترک کرد با شمشیری که از امام رضا ع هدیه گرفت و به مغرب برد و این شمشیر رضوی همچنان میراث رضوی آل ادیس در مغرب است، بالاخره او پس از سفری پر مخاطره مانند سایر مهاجران آل ابی طالب در گوشه ای از جهان اسلام در ۱۷۲ هجری در مغرب، مستقر شد اما فرق مهاجرت ادیس با سایر آن ها این بود که ادیس منشا دولت و تمدن شد و تمدنی که بوسیله دولت او شکل گرفت، به برکت امام رضا ع به مغرب چهره اسلامی و عربی داد و مهمترین مرحله اساسی توسعه انسانی و آبادانی و رونق و شهر سازی در تاریخ عمران مغرب است. بقایای ادیسیان تا کنون به جاست و دولت مراکش مستقر در مغرب، که هنوز منشا خدمات تمدنی و حامی فرهنگ اسلامی است (دول شرفای فلالی و سعدی، به مدخل سعدیان از مولف در دانشنامه جهان اسلام جلد ۲۳ رجوع شود) خود را از نسل ادیس و امام حسن ع می دانند. آن چه در کتاب تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) در مورد ادیسیان آمده است فرا تر از اشارات است و چهل صفحه بدون مقدمه پردازی زاید، به اصل مطلب یعنی، "دولت ادیسیان"، پرداخته است و به طور مبسوط عناصر و ارکان توسعه تمدنی و فرهنگی مغرب در عهد ادیسیان بیان شده است و به فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب دوره ادیسی و جایگاه تمدنی ادیسیان پرداخته شده است، زیرا ماهیت دولت ادیسی، دولت فرهنگی و تمدنی است و شکوفایی تمدن اسلامی در عهد ادیسیان در شکل های مختلف تمدنی ظاهر شد که کاهش چشمگیر بدویت با شهرسازی و تاسیس چندین شهر در مغرب و توسعه آموزش با تاسیس چند مرکز آموزشی، گسترش تجارت و صنعت و کشاورزی و دامداری و گسترش زبان عربی و شریعت و فرهنگ اسلامی و پیشرفت نظامی، توسعه تشکیلات اداری و توسعه مذهب تشیع و رها سازی اسلام از بدعت خوارج و سرنگونی دول خوارج در مغرب اقصی و قطع مطامع سیاسی اجتماعی و مذهبی و نظامی خلافت عباسی از مغرب، مهمترین موارد قابل ذکر آن ها است، تاسیس دولت ادیسی نماد اصالت تمدن اسلامی در غرب جهان اسلام است و کارکرد تشیع در تمدن سازی و پیشرفت فرهنگ اسلامی در مهمترین نقطه استراتژیک جهان در کنار تنگه جبل الطارق را نشان داده است و تثبیت و آرامش در منطقه وسیعی از مغرب مرهون وجود ادیس و دولت او در مغرب اقصی است. مسکوکات ادیسی برای نخستین بار در تاریخ، پیام عقیدتی تشیع را در دورترین نقطه غرب اسلامی در مرز با اروپا به نمایش گذاشتند. ساختن شهری به نام علی و ضرب سکه با نقش علی و رموز شیعه از جمله واژه وصی، نماد هویت واقعی دولت ادیسی است. سکه ادیسی با نام علی از تصاویر روی جلد کتاب تاریخ تحلیلی مغرب است. جایگاه تمدنی دولت ادیسیان این است که فقط با مهاجرت و استقرار ادیس بود که تغییرات جمعیتی و تحرکات گسترده سیاسی - اجتماعی در مغرب صورت گرفت. این تغییرات از مغرب اقصی با تاسیس چند شهر آغاز شد و در مغرب اوسط و ادنی و حتی اندلس هم تاثیر خود را نشان داد زیرا نوادگان ادیس که به اندلس مهاجرت کردند یک قرن پس از سقوط ادیسیان دولت اموی اندلس را ساقط کردند و از بین بردند. امروزه مجموعه ای انبوه از مسکوکات ادیسی با نمادهای شیعی به جا مانده است که حاکی از جایگاه تمدنی دولت ادیسیان است. و تنها جامع قرویین که در آغاز دولت ادیسی بنا شد، که برخی خاورشناسان آن را جد اعلاای نهاد های آموزش اروپا دانسته اند در مورد تعیین جایگاه تمدنی ادیسیان ادراسه کفایت می کند. این جامع امروز از دانشگاههای معتبر جامع جهان است. تمدن و فرهنگ اسلامی در عهد ادیسی نوعی خاص و دارای اصالت ادیسی است. وجه اهمیت پژوهش از جهت تمدنی تعیین ارزش تمدنی ادیسی در تاریخ تمدن و اصلاح دیدگاههای برخی از محققان در مورد مذهب ادیسیان بویژه خاورشناس معاصر پرفسور مادلونگ است که در مورد ادیسیان ادعای نوعی مهدویت کرده است.

واژه های کلیدی: امام رضا (ع)، ادیس، مغرب، تمدن و فرهنگ، تاج آل محمد، جامع قرویین، سکه علی (ع)

۱- مقدمه تاریخی و جغرافیایی

۱-۱- پیشینه تاریخی ادرسیان

یکی از نوادگان حضرت علی[×] بعد از قتل عام فح به سال ۷۸۹/هـ ۱۶۹م از ترس ستم بنی‌عباس به مغرب گریخت و در ناحیه شمال مغرب اقصی در شهر ولیلی به سال ۱۷۲هـ ساکن شد. افراد دیگری از این خانواده در سایر نقاط مغرب اقصی پراکنده شدند. ادریس اول به نام خود سکه زد، بعد از قتل ادریس اول، پسر او ادریس دوم در ۱۱ سالگی در ۱۸۳هـ به قدرت رسید. ادریس اصغر در سال ۱۸۸هـ در جامع ولیلی موجودیت دولت ادریسی را اعلام کرد. با افزایش پیروان، شهر فاس را به‌عنوان مرکز تبلیغ و دعوت و پایتخت دولت خود ساخت. ادریس دوم بارها تهاجم خوارج را دفع کرد. با مرگ ادریس دوم در ۲۱۳هـ کار ادریسیان به دست محمدبن ادریس افتاد. تقسیم قدرت توسط او ادریسیان را با چالش جنگ خانوادگی مواجه ساخت و دولت ادریسی تجزیه شد. با ظهور فاطمیان در افریقیه منافع ادریسیان مورد تهاجم قرار گرفت و ادریسیان از ناحیه خوارج، فاطمیان و امویان آندلس مورد تهدید قرار گرفتند. آنها ابتدا تابع فاطمیان شدند سردار فاطمی در ۳۴۷هـ مغرب اقصی را تصرف کرد. در سال ۳۵۳/هـ ۹۷۴م تسلیم امویان آندلس شدند و دولت ادریسی منقرض شد. مذهب و فقه مالکی در دوره ادریسی رواج پیدا کرد و فاس از مراکز تبلیغ آن شد. جوامع دوره ادریسی از مراکز بزرگ علم در مغرب شد و جلوه‌های شکوهمندی از فرهنگ و تمدن اسلامی پدید آمد.

۱-۲- محدوده جغرافیایی دولت ادریسیان

مؤسس دولت ادریسی، باتوجه به شرایط به وجود آمده ناشی از استقلال‌طلبی بربرها در مغرب اقصی و با بهره‌گیری از محبت مردم به اهل‌بیت[^] و روحیه آزادی‌خواهی آنها تشکیل دولت داد. محدوده دولت ادریسی^۱ از سوس اقصی تا شهر وهران در مغرب اوسط بود. تلمسان در مغرب اوسط و فاس در مغرب اقصی دار ملک آن‌ها بود. مرزهای جغرافیایی ادریسیان در طول حکومت خود (۱۷۲/هـ ۷۸۷م - ۳۷۵/هـ ۹۸۵م) از شمال و جنوب متزلزل بود و از مداخله دو دولت قدرتمند «فاطمیان» مصر و «امویان» آندلس رنج می‌بردند و دخالت‌های این دو دولت، سرانجام موجب سقوط دولت ادریسی شد.^۲ منابع معاصر غربی از «ادرسیان» به عنوان قدیمی‌ترین امارت زیدیان پای‌بند به تسنن نام برده‌اند که کشوری پادشاهی در منطقه ولوبیلیس^۳ تأسیس کردند.^۴ بعد از حکومت محمد المنتصر، قلمرو ادریسی تجزیه شد و به تصرف بربرهای «مکناسه» در آمد و شاخه‌های کوچکی از آنها در جاهایی چون «تمدولت» در جنوب و شاخه اصلی آنها^۵ در ریف مراکش شمالی، زیر سلطه «امویان» آندلس قرار گرفته و گاهی نیز هم پیمان با «فاطمیان» شدند. در ۳۵۳هـ حسن، آخرین دولتمرد ادریسی، به‌دست امویان کشته شد و حیات سلسله ادریسی خاتمه یافت. گروهی از آن‌ها که در آندلس به‌سر می‌بردند، بار دیگر دعوت «علویان» را آشکار کردند.^۶

۲- اصالت ادریسی تمدن و فرهنگ اسلامی در مغرب

ادریس اول چنانکه در کتاب آمده است با حمایت و هدایت امام رضا ع به مغرب رفت و با معجزه امانم با وجود مخالفت خوارج و امویان آندلس و نیروهای مخالف دیگر دولتی تأسیس کرد که همچنان بخش عمده‌ای از تاریخ مغرب است و بازماندگان او همچنان در حوادث شما آفریقا حضور دارند. دولت کنونی مغرب خود را بازمانده دولت ادریسی می‌داند. ادریسیان، خدمات قابل توجهی در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی انجام دادند. پژوهش حاضر بخشی از کتاب تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) و مطالع تحلیلی فرهنگ و تمدن اسلامی در غرب اسلامی (۱۳۹۵) و تاریخ تشیع در غرب اسلامی (۱۳۹۶)

۱. Idrisides.

۲. روابط متفاوت فاطمیان و امویان با اداره.

۳. Volubiles.

۴. میکل، ترجمه فروغی، اسلام و تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۵. باسورث، ترجمه بدره‌ای، سلسله‌های اسلامی، ص ۷۸، ۷۹.

۶. سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۱۱۲.

است. در مقاله ای که (مجله شیعیه شناسی پاییز ۱۳۹۶) از این کتاب انتحال شده است می نویسد: در کتاب تاریخ تحلیلی مغرب اشاره ای به تمدن و فرهنگ اسلامی در مغرب نشده است: " (و تاریخ تحلیلی مغرب از دکتر شهیدی پاک؛ اما مقاله ای در مورد وضعیت تمدن دولت اداریسی یافت نشد...) " در حالی که این حرف که کاملاً خطا است و برای توجیه انتحال بیان شده است و نویسنده بسیار ناشیانه مطالب کتاب را دسته بندی و افزایش آن و سرانجام با حذف نام مولف فقط از مصادر اصلی او استفاده کرده است و نوشته کتاب را چیدمان جدید داده است و مقاله ای مرتب کرده است و با عنوان: " وضعیت و نقش دولت اداریسیان در تمدن اسلامی، " منتشر کرده است. اما در کتاب تاریخ تحلیلی مغرب وضعیت و نقش دولت اداریسیان در تمدن اسلامی به مقدار لازم و کافی آمده است (شهیدی پاک، ۱۳۸۹، فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد اداریسیان، یکی از سر فصل های مشخص کتاب است و از صفحه ۱۷۹ تا ۲۱۷ دولت اداریسیان و از صفحه ۲۱۱ تا ۲۱۵ آن به صورت فشرده به فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد اداریسیان اختصاص دارد مضافاً بر اینکه در دو کتاب مطالعه تحلیلی تاریخ تمدن اسلامی در غرب اسلامی و تاریخ تشیع در غرب اسلامی هم مطالب دیگری در مورد ابعاد تمدنی و فرهنگی دولت اداریسیان و مذهب آن ها ذکر شده است)) و نقش ادراسه و جایگاه تمدنی آن ها بررسی شده است و یا در منبعی دیگر آمده است که در کتاب تاریخ تحلیلی مغرب، به اداریسیان فقط اشاره شده است، آیا نگارش چهل صفحه در مورد دولت اداریسیان فقط اشاره است زیرا کتاب تاریخ تحلیلی مغرب پس از تاریخ سیاسی اداریسیان در مغرب بدون نیاز به مقدمات طولانی و زائد اصول مطالب مفید در مورد اداریسیان به طور مبسوط و بدون مقدمه پردازی زاید ذکر شده ذکر شده است و در کتاب در مورد مشخصه تمدن سازی آن ها آمده است که، اداریسیان در ابعاد مختلف تمدن در مغرب در خشیدند و اساس تمدن اسلامی در مغرب هستند و اصالت تمدن اسلامی و فرهنگ اسلامی در مغرب اداریسی است. در پڑ و هش حاضر مهمترین و جوه فرهنگ و تمدن که اداریسیان آن را ایجاد و توسعه داند پرداخته شده است. در ضمن این کتاب و دو کتاب یاد شده بویژه تاریخ تشیع در مغرب و افریقه و اسپانیا به طور مبسوط به مذهب اداریسیان پرداخته اند.

۳- فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد اداریسیان

۳-۱- تشکیلات اداری و حکومتی اداریسیان

سازمان حکومت اداریسی بر پایه امامت بود و از آن ها با لقب امام یاد کرده اند از نقاط ضعف آنها عدم تأسیس نظام خلافت بود و امور اجرایی خود را به افرادی به عنوان وزیر مستشار می دادند، وزارت در عهد آنها وزارت تنفیذ بود.^۷ چند کاتب معروف مغربی در خدمت نگارش نامه های اداری دولت اداریسی بود. از بین هیئت های آندلسی و افریقه که بدیدن اداریسی دوم آمده بودند چند نفر به عنوان قاضی دولت اداریسی انتخاب شدند، نیروهای نظامی بدون انسجام در دوره اداریسی در مواردی پیشرفت چشم گیر داشت و به سرعت عمل و مقاومت و فداکاری در جنگ و تأمین امنیت داخلی و ساخت و تعمیر سازه های عمرانی و عبادی و قلاع نظامی معروف شد. دولت اداریسی نقش اساسی در گسترش فرهنگ اسلام و زبان عربی و مغرب ایفا کردند. اداریسیان سازمان مالی بسیار مفید و منظمی ایجاد کردند و با ضرب نخستین سکه در ۱۹۸ هجری استقلال مالی خود را اعلام کردند. جزیه، زکات، فیه و غنایم از اهم موارد دولت اداریسی بود. تصویر روی جلد کتاب تاریخ تحلیلی مغرب سکه دوره اداریسی است که نام امام علی ع را روی سکه خود ضرب کرده اند.

۷. نصرالله، دولة الادارسه فی المغرب العصر الذهبی، ص ۱۲۱.

۳-۲- گسترش زبان عربی در مغرب بزرگ عربی (بخشی از شمال آفریقا)

حکومت ادریسی در مغرب، از عوامل اساسی گسترش زبان عربی شد. «جامع قرویین» قرن‌ها محل آموزش و انتشار فرهنگ و تمدن اسلامی بود. آخرین امیر ادریسی، اوضاع متشنجی را در مغرب تجربه کرد؛ چرا که با دخالت و نفوذ زیاد دربار فاطمی و امویان آندلس مواجه بود. وجه اهمیت اساسی ادریسیان، تشکیل دولت براساس نظام امامت شیعی در منطقه‌ای بود که مهد اولیه «خوارج» در مغرب به شمار می‌رفت. دولت ادریسی به خلاف دو دولت خارجی تاهرت و سجلماسه که دولت‌های صحرایی بودند،^۸ دولتی شهری بود.

۳-۳- مذهب ادریسیان و رواج تشیع در مغرب: غلبه تشیع امامیه در طنجه

الف: حقیقت مذهب ادریس: در زیدی بودن یا تسنن و تشیع و حقیقت مذهب ادریس، محققان تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. بنا به یک احتمال دولت ادریسی، دولت شیعه زیدی از نوع معتدل و نزدیک به اهل سنت بود.^۹ یکی از وجوه اساسی اختلاف این دولت با دول خارجی مغرب این بود که این دولت بدون زمینه دعوت قبلی که در مورد دول خارجی مغرب، معهود بود، روی کار آمد و پیدایش آن، تنها به دوش شخصی واحد از خانواده اهل بیت^{۱۰} بود که به خاطر احترام بربرها به مناقب اهل بیت^{۱۱}، موفق به در دست گرفتن حکومت شد. «امویان» آندلس و «عباسیان» هر دو از جریان امامت علوی در مغرب در رنج بودند. امویان آندلس کوشیدند با ارتباط با اروپا، ادریسی‌ها را از شمال و هم‌چنین با ایجاد رابطه دوستی با «رستمیان»، ادریسیان را از جنوب، کنترل کنند. نزاع بر سر امامت، شورش «خوارج» و ظهور «فاطمیان» و توطئه امویان آندلس، دولت ادریسی را به سقوط کشاند. طنجه هم‌زمان با شهر قم دو مرکز شهری با غلبه تشیع امامی بر آن‌ها در قرن سوم هجری شد، چنان‌که در کتاب مقالات الاسلامیین به آن تصریح شده است.

ب: همزیستی مذهب مالک و مذهب ادریس: مذهب «مالکی»، در محدوده دولت ادریسی، به دلیل فعالیت گسترده داعیان مالکی در سراسر مغرب، شکوفا شد و ادریسیان با وجود آن‌که خود به روایتی به مذهب «زیدی» بودند، پایتخت آنها، محل سکونت بزرگان مذهب مالکی بود.^{۱۲} این همزیستی مذهب مالکی در مملکت شیعی ادریسی، تا حدودی به حمایت تاریخی «مالک» از دعوت و انقلاب «نفس زکیه» در مدینه و مخالفت او با دولت عباسی‌بازمی‌گشت.^{۱۳} «تلمسان» دوره ادریسی نیز، محل سکونت بزرگان مذهب مالک بود؛ با این وصف، ادریسیان، کسانی بودند که اسلام سنی را در قالب مذهب مالکی انتخاب کردند و در انتشار این مذهب به مغرب کوشیدند و فاس، مرکز اصلی رواج مذهب سنی مالکی شد و حرکت مالکیه فاس، مغرب اقصی را از فساد تحرکات فرهنگی خوارج و متنبیان در مغرب اقصی که اسلام را به شکل تحریف شده‌ای عرضه می‌کردند نجات داد؛

ج: مقابله با تحریف و بدعت و حفظ اسلام در مغرب بوسیله ادریس: انحراف و بدعت از اصل اسلام ویژگی پیش از شروع دوره ادریسی در مغرب است. تعداد بیشماری مدعی در هنگام ظهور ادریس وجود دارد که با تاسیس دولت ادریس محو شدند

۸. زغلول عبدالمجید، تاریخ المغرب العربی، ج ۲، ص ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۱، ۴۹۱.

۹. ر.ک: حرکات، المغرب عبر التاريخ، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۲۳.

۱۰. زغلول عبدالمجید، تاریخ المغرب العربی، ج ۲، ص ۵۱۷، ۵۱۹.

۱۱. مقالات الاسلامیین، ابو الحسن اشعری.

... کسانی چون: **حامیم بن مَنّ الله و ابی الیاس**، نصوص اسلام را تحریف کردند و به زبان بربری محلی قرآن و شریعت عرضه کردند. علمای قیروان و آندلس عهد ادیسی در خط مقدم مقابله با تحریف فرهنگی اسلام در فاس حضور داشتند؛

۴-۳- عمران و شهر سازی در عهد اداره

شهر سازی و آبادانی و عمران شهری و خروج از حالت بدوی به شهری مرمون استقرار ادیسی در منطقه بربر نشین فاس است. استقرار ادیسی در این نقطه مانند استقرار پیامبر در یثرب بود که منجر به تاسیس مدینه شهری که با تاسیس آن عربستان به سرعت از بافت قبیلگی به شهری تبدیل د شد و مغرب نیز با تاسیس دولت ادیسی با شهر سازی فرزندان ادیسی مواجه شد. و چندین شهر که تا کنون باقی است بنا شد. شهرهای بصره [بصره الکتان]، بصره الحمراء، اصیلا، جراوه، حجرالنسر، تامیدلت، اقلام، حمزه، قلعه سوق عکاشه، ماسنه و نکور در شمار شهرهای شیعی التأسیس به وسیله دولت ادیسی در قرن سوم و نیمه چهارم هجری است. این شهر ها بویژه فاس حاکی از موفقیت مسلمانان در شهر سازی در سواحل مدیترانه غربی است. آنان هم چنین چند شهر جدید مانند: سوق ابراهیم،^{۱۲} مدینه العلوین، اصیلا، نکور،^{۱۳} حجر النسر، ملیله، البصره، القصر الصغیر و جراوه را بنا کردند.

۵-۳- بنای فاس^{۱۴} و جوامع علمی آن - تاسیس شهر دانشگاهی و گسترش اسلام: آموزش و علوم دوره ادیسی

الف: شهر سلطنتی و دولت - شهر فاس: شهر سازی^{۱۵} از وجوه بارز فرهنگ و تمدن اسلامی در «دوره ادیسی» است؛ شهر فاس که قرن ها مرکز تمدن بود به دست «ادیسیان» تاسیس شد و به دنبال افزایش مهاجرت اعراب به ولیلی^{۱۶} این شهر گنجایش آنها را نداشت.^{۱۷} ادیسی دوم، شهری ساخت که محل سکونت او و خواص و وجوه دولت باشد؛ عمیر بن مصعب ازدی (ملجوم) همراه با گروهی، در جاهای مختلف مغرب اقصی جست و جو کردند تا این که مکانی را نزدیک «فحص ساییس»، نزدیک شهر مکناس که زمین هایی حاصل خیز داشت، در کنار چشمه آب گرمی پیدا کردند؛ جنگل انبوهی از درختان مختلف در اطراف این چشمه بود.^{۱۸} گروهی از بربر «زواغه»، چادر نشین (بنوخیر) نیز پیرامون آن زندگی می کردند؛ بدین ترتیب، شهر فاس را کنار آن چشمه بنا کردند؛ فاس به تدریج، شکل شهر پادشاهی به خود گرفت؛ بنای فاس در منطقه خاص بربرهای بیابانگرد نشان استقرار و قدرت «ادیسیان» در مغرب بود.^{۱۹}

۱۲. زغلول عبدالحمید، تاریخ المغرب العربی، ج ۲، ص ۵۱۳.

۱۳. حمیدی، جذوق المقتبس، ص ۴۸.

۱۴. Fez.

۱۵. شهر سازی بویژه بنای فاس شاخصه دولت ادیسی است و چند مدخل و کتاب خاورشناسی به آن اختصاص دارد.

۱۶. جوئی، علت انتقال از ولیلی به فاس را سیاسی دانسته است؛ رک: تاریخ المغرب العربی، ج ۲، ص ۴۴۴؛ ماضی شمال افریقا، ص ۳۰۷، ۳۰۸.

۱۷. ابن ابی زرع فاسی، الانیس المطرب بروض القرطاس، ص ۲۹.

۱۸. سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۳.

۱۹. زغلول عبدالحمید، تاریخ المغرب العربی، ج ۲، ص ۴۵۴.

ب: تاسیس شهر در بین منطقه قبایل بربر : خروج از بدویت به شهر : در این محل، پیش‌تر گروهی از بربر «زناته» معروف به «بنی‌یرغش» که پیرو دین مجوس بودند و آتش کده آنها در محل شیبویه قرار داشت،^{۲۰} زندگی می‌کردند؛ چنان‌که ابن‌خلدون می‌نویسد: «هنگام بنای فاس، «شیبویه» محل استقرار آتش‌پرستان بود».^{۲۱} برخی از بربرهای یهودی و مسیحی نیز در این محل زندگی می‌کردند؛ بعد از بنای فاس، «بنی‌خیر» در «عدوة القرویین»^{۲۲} و «بنی‌یرغش» در «عدوة الاندلسیین» منزل گرفتند.^{۲۳} بنی‌یرغش و بنی‌خیر دائماً در حال جنگ با یکدیگر بودند؛ ادریس به آن‌جا رفت و بین آن دو قبیله، صلح برقرار کرد و آنها به دست ادریس مسلمان شدند؛ ادریس آن بیشه را به قیمت ششصد هزار درهم از بربرها خرید؛ اما آنها مبلغ را به ادریس بازگرداندند.

ج: تاسیس دو جامع در فاس مرکز آموزش و توسعه فرهنگ : به دستور ادریس، بنای شهر فاس را با ساختن بخش آندلسی شهر از «عدوة الاندلسیین»^{۲۴} در اول ربیع الاول سال ۱۹۲هـ آغاز کردند.^{۲۵} سه سال بعد «عدوة القرویین» ساخته شد. گروهی از اصحاب ادریس و عده‌ای از مردم همراه او به آن‌جا منتقل شدند. دیواری در اطراف «عدوة الاندلسیین» کشیدند و جامع معروف به «جامع الاشیاخ» را در آن‌جا بنا کردند.^{۲۶} ادریس، سپس «عدوة القرویین» رفت و «جامع شرفا» را در آن‌جا ساخت^{۲۷} و به مردم دستور داد تا در اطراف آن، خانه‌سازی کنند. گروهی نیز از عراق به آن منطقه مهاجرت کرده و ساکن شدند.^{۲۸} به علت استقرار اعراب مهاجر از قیروان و آندلس، بعد از حادثه ربض، شهر فاس به دو منطقه «عدوة القرویین» و «عدوة الاندلسیین» تقسیم شد.^{۲۹} چهار هزار و هشتصد تن از^{۳۰} اعراب بعد از واقعه ربض در ۲۰۲هـ به این شهر هجرت کردند؛ نه‌ری، شهر فاس را به دو نیمه تقسیم می‌کرد و دو بخش شهر، با پل به هم وصل می‌شدند؛ این پل به «قنطرة بین‌المدن» معروف بود.^{۳۱} هم‌چنین در خیابان‌ها و اماکن شهر، رودخانه‌های متعددی جریان داشت.^{۳۲}

د : بنیان نخستین مراکز آموزش پیشرو در مغرب : جوامع ادریسیان نسل مقدم دانشگاه در اروپا : جامع القرویین^{۳۳} و جامع شرفا، و جامع انوار، مظهر واقعی حرکت فرهنگی در فاس بود. جامع شرفا، به‌وسیله ادریس دوم به سال ۱۹۳هـ در محله قرویین بنا شد و ضریح ادریس در آن است و تاکنون زیارتگاه است. این مسجد جامع اسلامی، از جمله نخستین دانشگاه‌ها در قرون وسطی است که علوم ادبی، قرآن، حدیث و علوم تجربی در آن تدریس می‌شد. «جامع قرویین»^{۳۴} قدیمی‌ترین جامع در جهان اسلام بود^{۳۵} که در سال ۲۴۵هـ به دست فاطمه فهریه ساخته شد.^{۳۶} به گزارش قلقشندی انواع علوم و معارف، از ریاضی و طب و فلسفه و... در جامعه قرویین فاس تدریس می‌شده است.

^{۲۰} وجود عناصر ایرانی در فاس در عهد ادریسی در منابعی گزارش شده است و در وجه تسمیه یکی از دروازه‌های فاس به دروازه فارس همین موضوع

مطرح است.

۲۱. ابن‌خلدون، العبر، ج ۴، ص ۲۶.

۲۲. عدوه، عدوه: مکان مرتفع، ساحل رودخانه؛ رک: سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۴.

۲۳. سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۴.

۲۴. عدوة الاندلسیین در سال ۱۹۲هـ و عدوه القرویین در ۱۹۳هـ ساخته شد.

۲۵. شهر اول را ادریس اول در سال ۱۷۲هـ و شهر دوم (عدوة القرویین) را ادریس دوم در سال ۱۹۲هـ ساخته است.

۲۶. معروف به جامع انوار، رک: سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۴.

۲۷. ابن ابی زرع فاسی، الانیس المطرب بروض القرطاس، ص ۳۸.

۲۸. همان، ص ۳۹.

۲۹. سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۵.

۳۰. بن عبدالله، فاس منبع الاشعاع، ج ۲، ص ۷۸۸.

۳۱. تازی، جامع القرویین، ص ۱۹۷.

۳۲. سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۳۶.

۳۳. همان

۳۴. قرویین، تخفیف لفظ قیروانین منسوب به قیروان.

۳۵. ر، ک: صبح الاعشی، ج ۵، ص ۱۵۱.

ز: توسعه معماری و هنر اسلامی در جوامع ادریسی

در نقشه جامع قرویین، چهار شبستان که هر کدام شامل دوازده قوس است، دیده می‌شود.^{۳۷} مأذنه «جامع قرویین»، قدیمی‌ترین مأذنه مربع مستطیل شکل در جهان اسلام است که از زمان «ادریسیان» تاکنون باقی است.^{۳۸} مناره مکعبی شکل «جامع قرویین» در فاس را مستشرقان، تقلیدی از صومعه کلیسا، می‌دانند؛ اما دکتر عبدالهادی تازی، آن را تقلید مستقیم از «کعبه» دانسته و دکتر عثمان عثمان اسماعیل آن را به سبک برج‌های مربع شکل در معماری قدیم بربرها که از بناهای یمن جنوبی در عهد باستان تقلید شده است، می‌داند.^{۳۹} «جامع آندلسیین» به تقلید از ساختمان مسجد قرویین در سال ۲۴۵ هـ توسط مریم (دختر محمد بن عبدالله فهری) بنا شد.^{۴۰} از جمله خصوصیات معماری ادریسی، کاربرد قوس‌های موازی در قبله است که در مساجد اولیه شرق اسلامی در مسجدهای ابن طولون مصر، مسجد دمشق و بعلبک رایج بوده است؛ نظام عقود موازی برای تنظیم صفوف نمازگزاران مناسب بوده است؛ مهاجران شرق، این شکل معماری را به غرب اسلامی بردند.^{۴۱} کاربرد قوس‌های نعل اسبی شکل^{۴۲} که در شهرهای اغالبه و شهرهای امویان آندلس نیز رایج بود، از دیگر ویژگی‌های معماری عصر ادریسی است؛^{۴۳} منشأ این قوس از شرق بود، بروکلیمان، منشأ این قوس را برگرفته از معماری گوتی دانسته؛ اما دکتر اسماعیل این نظر را مردود شمرده است.^{۴۴}

۳-۶- اقتصاد و کشاورزی و هنر و صنایع عهد ادریسیان

در عهد دولت ادریسی، اهل تجارت و صناعات، از هر سو به فاس هجرت کردند و همه برکات زمین در آن جا جمع شد؛^{۴۵} فقها، علماء، شعراء، ستاره‌شناسان، ترانه‌سرایان، موسیقی‌دان‌ها و جویندگان دانش، از مشرق و آندلس در فاس سکونت گزیدند.^{۴۶} در دوره ادریسی، اقتصاد مغرب اقصی، شکوفا گردید و فاس، در ملتقای روابط گسترده تجاری دولت‌های اسلامی با اروپا قرار گرفت و تأسیسات عمرانی، خانه‌ها، جوامع و مراکز عمرانی متعددی در آن ساخته شد؛ بدین‌سان، فاس، پایتخت «ادریسیان» و مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی، با چند مرکز علمی و فرهنگی، مانند مسجد قرویین، جامع اشرف^{۴۷} و تعداد قابل توجهی کاخ و... در زمره شهرهای با شکوه قرار داشت. ابن حوقل با نگاه مثبت به ادریسیان وصف خوبی از آبادانی فاس و تلمسان و سایر شهرهای دوره ادریسی دارد و آمار اجمالی از صنعت، کشاورزی، دوره ادریسی ارائه نموده است.^{۴۸} برخی صنایع و کاربرد چوب و فلز در مغرب عصر ادریسی گزارش شده است؛ این‌خلدون در

۳۶. عثمان اسماعیل، تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳۷. تازی، جامع قرویین، ص ۲۰۲.

۳۸. همان، ص ۲۰۳؛ عثمان اسماعیل، تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة، ج ۱، ص ۲۷۱، ۲۷۳.

۳۹. عثمان اسماعیل، تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة، ج ۱، ص ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹؛ بنای کعبه با این بناها هماهنگ بوده است.

۴۰. همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۷.

۴۱. عثمان اسماعیل، تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة فی المغرب الاقصی، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴۲. Holle Shoe.

۴۳. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴۴. آثاری از بناهای رومی در مغرب اقصی به جا مانده است؛ از جمله در ولیلی رومی‌ها آن را اشغال کرده و Volubilis نامیدند؛ حاکم رومی قدیم در آنجا به سر می‌برد و بقایای بناهای رومی در آنجا به جا ماند؛ از جمله بناهای معروف رومی‌ها که تا کنون (زمان سلاوی) پا برجا بوده است قوس کاراکالاً Caracalla نام دارد. ر.ک: سلاوی، الاستقصاء، ج ۲، ص ۱۶.

۴۵.

۴۶. عثمان اسماعیل، تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة، ج ۱، ص ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۱.

۴۷. ضریح ادریس

۴۸. ابن حوقل، صورة الارض، ص ۸۷، ۹۰.

ضمن بیان آثار به جا مانده از عصر ادیسی از منبر چوبی ادیس اکبر در «تلمسان» و لوح تأسیس «جامع قرویین» در فاس نام برده است.^{۴۹} «دریسیان» سگه‌هایی^{۵۰} به شکل سگه‌های «عباسیان» ضرب می‌کردند؛ روی سگه‌های ادیسی، علاوه بر لقب امرای ادیسی، و شعائر شیعی برخی علایم و نمادها (نخل و خاتم سلیمان^{۵۱} و...) حک شده بود. رونق کشاورزی در فاس و سایر نقاط مغرب اقصی، پدیده‌ای رایج در پایتخت‌های تازه تأسیس در مغرب بود؛^{۵۲} حضور ادیسی‌ها در «تلمسان»، این شهر را با بهبود وضعیت اقتصادی روبه‌رو ساخت صنایع مختلفی از جمله نساجی و رنگرزی در فاس و سجدماسه رشد فوق‌العاده پیدا کرد. سعدون نصرالله در سفر به مغرب در کتابخانه رباط دست نوشته‌ای راجع به ادیسیان پیدا کرده است که محتوی آمار اقتصادی مراکز صنعتی فاس عهد ادیسی است. رک: دوله الادارسه ملوک تلمسان و فاس و قرطبه. در زراعت زیتون، مغرب در عصر ادیسی به حدی از پیشرفت رسید که شهر مکناس در عصر آنها، به مکناسه الزیتون معروف شد. محصولات بسیاری در عهد ادارسه کشت می‌شد که به نام بسیاری در منابع جغرافیایی اشاره شده است.

۴- نتایج ظهور و استقرار تمدن عهد ادیسی

«دریسیان» به گسترش اسلام و زبان عربی در مغرب اقصی و اوسط کمک کردند. عمران و آبادانی و تجارت با بنای شهر فاس در مغرب اقصی رونق گرفت. بزرگ‌ترین مراکز علوم دینی و فرهنگ اسلامی در دوره ادیسی، در شهرهای مغرب اقصی بنا شد؛ «جامع قرویین» را از حیث سطوح آموزشی با دانشگاه‌های بزرگ مقایسه کرده‌اند؛ این جامع، از جمله جوامع اسلامی بود که الگوی نخستین دانشگاه‌های اروپایی شد. و دولت ادیسی در واقع تأسیس نخستین دولت شیعی متمایل به تشیع امامی و خارج از شعار مهدویت و مورد تأیید امام رضا (ع) است.

۵- فهرست منابع

- شهیدی پاک محمد رضا، تاریخ تحلیلی مغرب، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹.
- شهیدی پاک محمد رضا، کتاب مجموعه مقالات تاریخ تشیع، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹.
- شهیدی پاک محمد رضا، مطالعه تحلیلی فرهنگ و تمدن اسلامی در غرب اسلامی ۱۳۹۵.
- شهیدی پاک محمد رضا، تاریخ تشیع در غرب اسلامی ۱۳۹۶.

۴۹. تاریخ العمارة الاسلامیة و الفنون التطبيقیة، ج ۱، ص ۳۰۵.

۵۰. در موزه کتابخانه ملی پاریس و موزه خارکوف، چند سکه دوره ادیسی وجود دارد.

۵۱. Sceau Salomon.

۵۲. رجوع به منابع جغرافیایی معاصر ادیسی و منابع پس از آن به آبادانی متصل بین فاس و تلمسان اشاره دارند.